

در مشروطه چه گذشت؟

جلد سوم

وقایع دوره مشروطه اول

(۲۶ مرداد ۱۲۸۵ - ۲ تیر ۱۲۸۷ شمسی)

(۲۶ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - ۲۳ جمادی الاولى ۱۳۲۶ قمری)

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

عنوان و نام پدیدآور :	در مشروطه چه گذشت؟ / مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
مشخصات نشر :	تهران: قدر ولایت، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری :	ج. : مصور، نمونه، عکس.
شابک :	دوره: 978-964-495-099-5 ؛ 9۰۰۰۰ ریال. ج. ۱: 978-964-495-176-3 ؛ ۲۵۰۰۰ ریال. ج. ۲، شمشیر: 978-964-495-098-8 ؛ ۵۵۰۰۰ ریال (ج. ۲، گالینگور) ؛ ۶۵۰۰۰ ریال. ج. ۳، شمشیر: 978-964-495-167-1 ؛ ۷۵۰۰۰ ریال (ج. ۳، گالینگور)
وضهت فهرست نویسی :	فها
یادداشت :	ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۹). چاپ دوم: ۱۳۹۱
یادداشت :	کتابنامه.
یادداشت :	نماینه.
منرجات :	ج. ۳، ولایع دوره مشروطه اول
موضوع :	ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۲۲۲ - ۱۳۳۲ ق.
شده اسه افزوده :	مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
رده بندی کنگره :	۱۳۸۸ ۵۲ / DSR ۱۲۰۰۷
رده بندی دیویی :	۹۵۵ / ۰۷۵
شماره کتابشناسی ملی :	۱۷۹۱۳۵۰

در مشروطه چه گذشت؟ جلد سوم



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

تدوین و تالیف : مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	
ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	
نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱ با ویراستاری و اصلاحات جدید شمارگان: ۵۰۰ جلد	
حروفچینی: ظریفیان	طراح جلد: خلیلی فرد
چاپ: آبنوس	لیتوگرافی: سحر
قیمت شمشیر: ۱۲۵۰۰۰ تومان	قیمت گالینگور: ۱۴۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۱۶۷-۱	ISBN 978-964-495-176-3
شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۹۹-۵	ISBN 978-964-495-098-8
تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۱۱۱۵۱	WWW.ghadr110.ir
کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است	

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
----	---------------

بخش اول:

وقایع استقرار مشروطه اول تا به توپ بستن مجلس

۲۵	تشکیل مجلس شورا در مدرسه نظامیه.....
۳۷	نظامنامه انتخابات و انتخاب وکلا.....
۳۹	تدوین قانون اساسی.....
۵۸	متمم قانون اساسی.....
۶۷	ماجرای بستنشینی شیخ فضل الله در حضرت عبدالعظیم.....
۸۲	تهاجم عثمانی به مرزهای ایران.....
۸۳	قتل اتابک.....
۸۶	گردهمایی میدان توپخانه و مدرسه مروی.....
۹۱	نحوه حضور شیخ فضل الله در گردهمایی میدان توپخانه.....
۹۵	فتوای حرمت شرعی مشروطیت.....
۱۰۰	قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس.....
۱۰۳	گرویدن برخی درباریان به مشروطه.....
۱۰۵	رفتار محمدعلی شاه و برخورد مشروطه طلبان با او.....
۱۰۹	توهین مطبوعات به محمدعلی شاه.....
۱۱۳	پرتاب نارنجک به سوی محمدعلی شاه.....
۱۱۷	قتل قوام الملک شیرازی.....
۱۱۸	استعفای احتشام السلطنه.....
۱۲۰	رفتن محمدعلی شاه به باغشاه.....
۱۲۳	گلوله باران مجلس و تعطیلی آن.....

بخش دوم:

تحلیل مستند وقایع دوره استقرار مشروطه اول

فصل اول

نقش منورالفکران و انجمنهای مخفی و آشکار در دوران استقرار مشروطه اول

۱/۱ - تدوین نظامنامه انتخابات، قانون اساسی و متمم آن	۱۳۳
۱/۲ - تندروی منورالفکران در مجلس	۱۷۹
۱/۳ - تندروی در برابر محمدعلی شاه	۱۸۵
اتهام زنازاده به محمدعلی شاه!	۱۸۸
اقدام به ترور شاه و عدم پیگیری ترورکنندگان!	۱۹۱
تغییر فضای مسالمت به وضعیت مخاصمه و درگیری	۱۹۴
انجمنهای مخفی و آشکار در این دوره از مشروطیت	۱۹۹
لز بیداری ایران	۲۰۷
کمیته انقلاب	۲۱۳
اقلیت‌های مذهبی	۲۱۶
انجمن آذربایجان	۲۱۶
انجمن اخوت	۲۱۸
انجمن مظفری	۲۲۱
انجمن بین‌الطلوعین	۲۲۱
انجمن شاه‌آباد	۲۲۳
مهمترین اقدامات انجمنها	۲۲۳
۱- بدین کردن علما به شیخ فضل‌الله و فشار به علمای نجف	۲۲۳
۲- اقدام به تهمت‌زنی، ترور و اخراج شیخ فضل‌الله نوری	۲۳۲
۳- بیرون کردن حاجی میرزا حسن مجتهد از تبریز	۲۳۶
نقش روزنامه‌ها در وقایع این دوره از مشروطیت	۲۴۱
نقش اردشیر رپیورتر در مطبوعات	۲۵۰

فصل دوم

نقش دولت انگلیس در وقایع این دوره از مشروطیت

تهدید محمدعلی شاه به خلع از سلطنت	۲۵۷
-----------------------------------	-----

۲۵۹	تهدید انجمنها و ملیون!!
۲۶۱	تهدید محمدعلی شاه به اشغال بوشهر!!
۲۶۴	مداخله در مباحث قانون اساسی و متمم آن
۲۶۶	سمپاشی علیه روحانیت بویژه شیخ فضل الله نوری

فصل سوم

نقش علما و روحانیت در این دوره از تاریخ مشروطیت

۲۷۳	علما و تصویب قانون اساسی و متمم آن
۱-	نظارت بر مباحث متمم قانون اساسی در مجلس شورای ملی و تلاش در اصلاح و مطابقت آن با
۲۷۳	شرع مقدس
۲۷۹	۲- ارائه اصل نظارت ابذیه علما بر مصوبات مجلس شورای ملی
۲۸۱	۳- ترویج گفتمان مشروطیت و روشن کردن محتوای این اصطلاح
۲۸۶	۴- آشکار کردن گروههای مخوف پشتیبان مشروطیت
۲۸۹	۵- جلوگیری از آزادیهای مخرب و هتاک به مقدسات
۲۹۳	۶- حفظ استقلال کشور و مبارزه با سلطه بیگانگان
۲۹۵	۷- بسیج مردم و حفظ آنان در نهضت
۲۹۷	همگامی و ارتباط علما با یکدیگر در مشروطه اول

بخش سوم

دیدگاههای حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره وقایع این دوره از مشروطیت

فصل اول

نگاه حضرت امام خمینی (ره) به وقایع این دوره از مشروطیت

۳۰۵	تقسیم مردم به طرفدار و مخالف مشروطه
۳۰۶	ایجاد اختلاف بین علما و روحانیون در مشروطه
۳۰۷	توطئه‌های شیطانی برای اختلاف افکنی
۳۰۸	مستبدین مشروطه خواه، حکومت را گرفتند
۳۰۹	تشکیل گروهها و احزاب برای ایجاد تفرقه
۳۰۹	تشکیل احزاب، نقشه شیطانی قدرتها
۳۱۰	عدم حضور کامل علما و مردم در مشروطه، علت ناکامی

۳۱۱	اعدام شیخ فضل الله به خاطر اسلامی کردن قوانین
۳۱۳	اختلاف بین افراد، سبب شکست مشروطه شد
۳۱۳	کنار رفتن مردم و روحانیت به واسطه ترور و تبلیغات دشمنان
۳۱۴	عدم انسجام و اطاعت نکردن کامل مردم از علما در مشروطیت
۳۱۵	نقش مجلس در انحراف مشروطیت

فصل دوم

نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به وقایع این دوره از مشروطیت

۳۱۷	نقش علما و روحانیان
۳۱۷	نقش حاج آقا نورالله اصفهانی
۳۱۹	ضعف رهبری
۳۲۰	کنار زدن روحانیت
۳۲۰	بی تجربگی مردم و علما
۳۲۱	کوتاهی در معرفی نقش روحانیت شیعه
۳۲۳	مردم به دنبال روحانیت بودند
۳۲۳	تغافل و خوش باوری علما، کامیابی غریبه در انحراف مشروطیت
۳۲۵	نقش علمای طراز اول و تلاش دشمنان در حذف آنها
۳۲۶	نقش مردم
۳۲۷	نقش روشنفکران
۳۲۷	حقارت و ناتوانی روشنفکران در برابر غرب
۳۲۸	جریان روشنفکری، بیمار و وابسته و جدا از مردم
۳۲۹	نقش انگلستان در انحراف نهضت مشروطیت

بخش چهارم:

پیوستها

۳۳۳	پیوست یک: صورت نظامنامه اساسی مجلس شورای ملی یا قانون اساسی موقتی مملکت ایران
۳۴۳	پیوست دو: نامه دعوت عضدالملک به حاج شیخ فضل الله نوری جهت شرکت در جلسه مجلس
۳۴۴	پیوست سه: مصوبه تعدادی از علما در خصوص حفظ مجلس شورای ملی
۳۴۸	پیوست چهار: ارسال قانون نامه اساسی جهت ملاحظه حاج شیخ فضل الله نوری
	پیوست پنج:
۳۴۹	نامه سید محمد طباطبایی به طالب مینی بر رفع اختلافات با حاج شیخ فضل الله نوری

۳۴۹	نامه حاج شیخ فضل الله نوری به طلاب در خصوص رفع اختلافات و شبهات قیامیین علما.
۳۵۳	پیوست شش: شرح حال برخی از نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی
۳۵۴	سید نصرالله تقوی (اخوی)
۳۶۱	سید حسن تقی زاده
۳۶۳	شیخ ابراهیم زنجانی
۳۶۷	سید ولی الله خان نصر
۳۶۹	ابوالحسن پیرنیا (معاذ السلطنه)
۳۷۲	مصطفی قلی خان کمال هدایت (فهیم الدوله)
۳۷۵	حسنعلی خان کمال هدایت (نصرالملک)
۳۷۷	میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله
۳۷۹	ابراهیم حکیم الملک (حکیمی)
۳۸۱	امان الله میرزا ضیاءالدوله
۳۸۴	میرزا سید ابراهیم عمیدالحکماء (عمیدالسلطنه)
۳۸۵	میرزا حسن خان وثوق الدوله
۳۸۸	میرزا نصرالله خلعتبری (اعتلاءالملک)
۳۸۹	مرتضی قلی خان صنیع الدوله
۳۹۳	حاج محمودخان قوللر آقاسی باشی (احتشام السلطنه)
۳۹۴	میرزا صادق خان مستشارالدوله
۳۹۶	مهدیقلی خان هدایت (مخبرالسلطنه)
۴۰۲	میرزا محمدصادق طباطبایی
۴۰۴	پیوست هفت: نامه مجلس به شیخ جهت اصلاح قانون
۴۰۵	پیوست هشت: اصل پیشنهادی شیخ به مجلس
۴۰۶	پیوست نه: نمونه ای از لوایح متحصنین حضرت عبدالعظیم علیه السلام
۴۰۷	پیوست ده: نامه اعتراضیه مجلس و پاسخ علماء نجف
۴۰۸	پیوست یازده: نامه موافقت تشکیل مجلس شورای ملی
۴۰۹	پیوست دوازده: صفحه اول رساله فی قاعده ضمان الید به قلم شیخ
۴۱۰	پیوست سیزده: اسامی انجمنهای عصر مشروطه در تهران و شهرستانها
۴۳۸	پیوست چهارده: اسامی روزنامه هایی که در آن دوره منتشر می شدند
۴۴۰	پیوست پانزده: قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس
۴۴۲	پیوست شانزده: نمونه ای از بدگویی به محمدعلی شاه و تحریک و تهدید او
۴۴۶	پیوست هفده: صورت پیمان نامه علمای مهاجر به حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام

پیوست هجده: صورت اسامی علمای بزرگ ایران در تحصن حرم حضرت عبدالعظیم.....	۴۵۷
پیوست نوزده: صورت هزینه‌های تحصن در حضرت عبدالعظیم (علیه السلام).....	۴۶۱
پیوست بیست: نامه آیت‌الله یزدی از نجف به شیخ فضل‌الله و حمایت از حرکت او.....	۴۷۴
پیوست بیست و یک: یکی از لوايح بست‌نشینان در حضرت عبدالعظیم (علیه السلام).....	۴۷۸
پیوست بیست و دو: یکی دیگر از لوايح بست‌نشینان در حضرت عبدالعظیم (علیه السلام).....	۴۸۹
پیوست بیست و سه: رساله حرمت مشروطه.....	۴۹۷
پیوست بیست و چهار: پاسخ به نامه علمای نجف از سوی آیت‌الله آخوند رستم‌آبادی.....	۵۱۹
پیوست بیست و پنج: نامه حاجی میرزا ابوتراب به صاحب عروه.....	۵۳۱
پیوست بیست و شش: شرح حال آیات و حجج اسلام مؤثر در این دوره مشروطیت.....	۵۴۳
آیت‌الله ملا محمد کاظم آخوند خراسانی.....	۵۴۳
آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی.....	۵۴۶
آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی (طباطبایی).....	۵۴۸
آیت‌الله حاج میرزا حسین خلیلی (تهرانی).....	۵۵۰
آیت‌الله حاجی میرزا ابوتراب شهیدی قزوینی.....	۵۵۲
حاج ملا محمد خمami.....	۵۵۵
حاج آقا علی اکبر بروجردي.....	۵۵۶
میرزا علی ثقة الاسلام.....	۵۵۷
حاج میرزا حسن مجتهد تبریزی.....	۵۶۰
آخوند حاج ملا محمدعلی مجتهد رستم‌آبادی.....	۵۶۲
اسناد و تصاویر.....	۵۶۵
نمایه موضوعی.....	۵۹۷
نمایه اشخاص.....	۶۰۷
نمایه اماکن.....	۶۱۵
منابع.....	۶۲۱

پیشگفتار

قانون اساسی در هر نظامی، جهت‌گیریهای اصلی آن نظام را در موضوعات مختلف و در عرصه‌های داخلی و خارجی مشخص و معین می‌نماید. قانون اساسی در واقع تجلی جهان‌بینی، آرمانها و گرایشهای یک ملت در مسیر حرکت خود به سوی اهداف است. بهمین جهت است که همواره از یک سو بیشترین تلاش و دقت از سوی دلسوزان آگاهان برای تدوین هرچه صحیح‌تر و اصولی‌تر قانون اساسی به عمل می‌آید و از سوی دیگر بیشترین چالش و تحرک از سوی منحرفان بیگانه از آرمانهای ملت در جهت مخدوش کردن و گنجانیدن مواد نامتناسب با خواست و حرکت عمومی در قانون اساسی صورت می‌گیرد.

در انقلاب اسلامی ایران، از نزدیک شاهد چنین تحرکاتی بودیم. تمامی گروه‌ها، سازمانها و جمعیت‌های ضد اسلامی و سکولار و ملی‌گرا در صدد بودند تا با نفوذ در مجلس تدوین قانون اساسی و کشاندن بحث‌ها به بی‌سرانجامی و دادن رنگ و بوی لیبرالی به قانون اساسی، راه را برای هر نوع اقدام آتی خود فراهم نمایند. خواست ۹۸/۲ درصدی مردم را به گونه‌ای تغییر داده و مانع حرکت آینده این نظام براساس احکام شریعت اسلام گردند.

رهبری بیدار و قاطع امام خمینی به پشتوانه حمایت بی‌دریغ مردمی، مانع این توطئه عظیم شد و قانون اساسی تا حدود زیادی از اعتقادات و باورهای اصیل اسلامی ریشه گرفت. اگرچه در برخی موارد از جمله در اصل «ولایت فقیه» به شهادت امام خمینی،

اختیارات ولی فقیه فراتر از آن چیزی است که در قانون اساسی آمده است و به تعبیر معظم‌له، اعضای مجلس خبرگان از خوف مخالفت برخی روشنفکران، در این اصل کوتاه آمده‌اند، اما شاکله و بنای این قانون، مستحکم و براساس مکتب انسان‌ساز اسلام، نهاده شده است.

از آنجا که مهمترین واقعه در این دوره از مشروطیت (۲۶ مرداد ۱۲۸۵ - ۲ تیر ۱۲۸۷) که به مشروطه اول معروف است، تدوین قانون اساسی و متمم آن می‌باشد، ما تلاش کرده‌ایم تا سیر شکل‌گیری مباحث قانون اساسی و تدوین آن را با توجه به نحوه تشکیل مجلس و انتخاب نمایندگان با ارزیابی مورخین از این حادثه مهم، مطرح نماییم تا روشن شود که فضای این دوره از مشروطه، چگونه بوده و قانون اساسی در چه محمل و محفلی پرداخته و تدوین شده است.

در مشروطه، چالش‌ها و بحران‌ها در تدوین قانون اساسی بسیار سخت‌تر و نفس‌گیرتر بود. چرا که از یک سو بیگانگان بویژه روس و مخصوصاً انگلستان در ایران نفوذ بسیار داشتند، هم در دربار و هم در میان قشر منورالفکر کشور، و از دیگر سو انجمنهای مخفی و آشکار به سردمداری منورالفکران مرعوب غرب، سالها تلاش کرده بودند تا تفکر غرب‌گرایانه خود را در ارکان کشور بویژه وزارت امور خارجه و دستگاههای فرهنگی و آموزشی نفوذ داده و در پشت پرده تصمیم‌گیرها حضور داشته باشند. اما از این سوی، مردم، چندان بیدار و آزموده در بحرانها و تشنها نشده و بصیرت لازم را برای تشخیص غبار آلودگیهای فتنه‌گران نداشتند. و در همین سو، روحانیت که تنها مرجع و ملجأ ملت بوده و از نفوذ لازم در میان توده‌های مردم برخوردار بود، بواسطه فتنه‌گریهای منورالفکران و شبیه‌سازی خواسته‌های خود با اسلام و آرمانهای اسلامی، دچار آسیب جدی و دوگانگی شده بودند و از یک مرکزیت واحد در مقابل حوادث و رخدادها، چنانچه در تحریم تنباکو مشاهده شد، برخوردار نبودند.

با تشکیل مجلس شورای ملی (۲۷ مرداد ۱۲۸۵ شمسی)، اولین تشنها در جامعه ظاهر شد. براساس آئین‌نامه انتخابات، وکلا بصورت صنفی انتخاب شدند و بیشترین بهره را

در جریان انتخابات، انجمنهای سرّی و آشکار بدست آوردند و چهره‌های وابسته به جریان غرب‌گرایست‌ترین کرسیها را از آن خود ساختند. مجلس با شتاب آلودگی بسیار و زیر فشار روشنفکران تشکیل شد تا قبل از مرگ مظفرالدین شاه، اساس مشروطیت شکل داده شود. این شتاب آلودگی، مجلس را بسیار ناتوان و فاقد جاهت ساخته بود. به اعتراف مورخان آن دوره، نمایندگان از جهات مختلف دارای ضعفهای چشمگیر بودند و به همین جهت به شدت تحت تأثیر انجمنها و حرکات آنان در بیرون مجلس قرار داشتند. چنین مجلسی هم از خواست مردم و باورهای عمیق دینی آنان فاصله داشت و هم شجاعت لازم برای برخورد با اعمال نفوذها را نداشت.

مخبرالسلطنه می‌نویسد: «اشکال بزرگ شناختن و کلا بود. معنی مشروطه را صد نود نمی‌دانستند. بحرفهای رنگین خصوصاً قدری با حرارت توجهی بود، اکثر صلاح شخصی را بر صلاح مملکت ترجیح می‌دادند... تجربه معلوم کرد آن‌که بیشتر علیه دولت در نطق‌ها حرارت به خرج می‌دهد. شایه درباریان را ملاقات کرده است یا ظل‌السلطان را، هریک به دول اجنبی بیشتر حمله می‌آورد. سرسپرده سفارتی هستند.»^۱

احتشام‌السلطنه دومین رئیس مجلس، عقیده داشت که:

«مجلس هم مرکب از جماعتی مردمان مختلف‌الشکل، مختلف‌العقیده با تعدادی از علما و جماعتی از اصناف بی‌خبر از همه چیز و همه جا و جمعی فحاش و معترض تشکیل یافته بود. در آن میان عده خیلی قلیل مردمانی بودند که بالنسبه اطلاعات مختصر و سطحی داشتند و خود را به شکل مردم فرنگ و بلکه مستفرنگ درآورده بودند. چند نفر از کهنه دزددهای سابق که در تمام عمر امورات خود و پدرانشان را از دزدی و رشوه‌خواری می‌گذرانده و شهرت خوبی نداشتند یعنی مستوفی‌زاده‌ها... داخل در صف وکلا شده... از روی شهرت‌پرستی با نطقهای تند و به اصطلاح آتشین با همه چیز ضدیت می‌کردند، تند می‌رفتند و می‌تاختند. انجمنها هم که دیگر اختیاری برای کسی

باقی نگذاشته بودند. تقی زاده سردهسته وکلای تندرو آذربایجان بود که بی اندازه شهرت پرست بود.^۱

سه زعیم روحانی مشروطه یعنی آیات بهبهانی، نوری و طباطبایی در بیرون مجلس بودند و حسب شناخت خود از جریانات و مباحث مطرح شده در مجلس، اعلام نظرو دخالت می نمودند. حوزه نجف نیز براساس اطلاعات واصله و ارتباطات با سه زعیم و سایر روحانیون تصمیم می گرفتند.

همچنان که در تشکیل مجلس شورای ملی، منورالفکران به حمایت محافل ماسونی و مخفی، شتاب زده عمل کردند، در تدوین قانون اساسی و ارائه آن به مجلس و مباحث آن نیز این شتاب زدگی با شدت بیشتری اعمال شد. شتاب زدگی در صورت ظاهر به خاطر رساندن آن به توشیح مظفرالدین شاه بود ولی درواقع هدف اصلی تدوین آن مطابق خواست و تفکر جناح روشنفکر نهضت بود. مبنای پیش نویس قانون اساسی، قوانین کشورهای اروپایی بویژه بلژیک بود و افرادی که مسئولیت تدوین آن را به عهده داشتند گروهی منورالفکر و فراماسون بودند که میانه خوبی با باورهای دینی مردم و روی خوش با روحانیت و حضور آنان در اداره جامعه نداشتند. طبع چنین قانونی مغایرتهای اساسی با حرکت عدالتخواهانه مردم داشت که روحانیت پیشرو آن بود.

مخبرالسلطنه اعتراف می کند:

«قوانین اساسی فرانسه یا بلژیک را ما هم خوانده بودیم. مملکتی که تازه پا به سازمانی غیر آشنا می گذارد باید آهسته پیش برود. متأسفانه به حکم عادت سیاسی، قانون اساسی بلژیک را مصدر قرار داده اند که براساس فرانسه بود. مردم فرانسه آتشی مزاج همان قانون کنستیتوان را هم مجری نکردند. کنوانسیون سوابق را از ریشه برآورده و اباش غلبه کردند و خرابیها بار آوردند و ما همان رشته را دنبال کردیم ...»^۲

با تمام دقت نظر آیات ثلاثه و توصیه های آنان، قانون اساسی بسیار عجولانه تنظیم و

۱- خاطرات احتشام السلطنه، ص ۵۹۴.

۲- خاطرات و خطرات، ص ۱۴۵.

طی یک پروسه حساب شده در تاریخ ۸ دی ۱۲۸۵ شمسی به امضاء مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزای ولیعهد رسید. اما بلافاصله کاستی‌ها، تناقض‌ها و مغایرتهای این قانون آشکار گشت و مجلس مجبور شد تا گروه دیگری را که همچنان به وجه غالب از منورالفکران غرب‌زده بودند، مأمور بازنویسی و اصلاح قانون اساسی کند.

«اسناد به دست آمده نشان می‌دهد که ترجمه قوانین کشورهای مشروطه به نام «قانون اساسی ایران» حرکت حساب شده‌ای بود تا بدین وسیله مشروطیت تثبیت و پارلمان قانونگذاری ایران جای اجرای احکام شریعت، مقنن مقررات جدید سیاست مشروطه‌گری باشد و این خواست و هدف مشروطه‌خواهان غرب‌گرا بود. با آغاز اختلاف نظرها، برخورد این طبقه و روحانیون شروع شد که در واقع امتداد کشمکش این دو عنصر بود از نخستین مرحله حرکت مشروطه‌خواهی، و پس از این نیز استمرار یافت».^۱

این بار، جناح روحانیت نهضت و بیشتر از همه، شیخ فضل‌الله نوری همت گماشتند تا مغایرتهای قانون اساسی با شرع مقدس اسلام را برطرف ساخته و آن را صد درصد اسلامی سازد. بحث‌های زیادی انجام شد. حوزه نجف نیز در این بحث‌ها وارد شد. اما همچنان جناح منورالفکر نهضت به پشتیبانی اقدامات، تهدیدها و ترورهای اعضاء انجمنهای مخفی، به اصلاحات مطابق با شرع تن نمی‌داد. شیخ فضل‌الله نوری با توجه به این تحزکات به شدت مشکوک و وابسته به سیاستهای بیگانه، ماده واحده نظارت علماء طراز اول بر مصوبات مجلس و عدم مغایرت این مصوبات با شرع مقدس، را ارائه کرد. عناصر روشنفکر نهضت این بار نیز با حمایت محافل مخفی و آشکار فراماسونی، تعجیل و شتاب‌زدگی را در دستور کار قرار داد و با تحریک مردم بویژه در تبریز توسط انجمن ملی آذربایجان، شیخ فضل‌الله و هیئت تطبیق قانون اساسی با احکام شرع را تحت فشار قرار دادند تا از تغییر قانون اساسی جلوگیری کنند. فشارها چنان شدت یافت که شیخ فضل‌الله مجبور شد به همراه جمعی از علما و روحانیون و مردم به حرم حضرت

عبدالعظیم حسنی رحمته الله رفته و در آنجا متحصّن شوند. شیخ فضل الله معتقد بود:

«مشروطه‌ای که در فرنگستان ساری و جاری است با مشخصات خاصی که دارد شایسته اجرا در ایران نیست. ایرانیان باید مشروطه‌ای منطبق بر سنن ملی و مذهبی خود برقرار کنند. خداگواه است کسی ضدّیت با عدل ندارد و چه شده است کسی که اوّل مقدّم در این امور بوده است، اقدام بر ضدّیت یا تخریب این اساس مقدّس معدلت را قصد کند که نه عقلاً و نه شرعاً جایز بلکه حرام است؛ مقصود، تطبیق این مجلس است با قانون محمدی صلی الله علیه و آله... ای مسلمان! کدام عالم است که می‌گوید مجلسی که تخفیف ظلم نماید و اجراء احکام کند، بد است و نباید باشد؟ تمام کلمات راجع است به چند نفر لا مذهب بی دین آزادی طلب که احکام شریعت قیدی است برای آنها، می‌خواهند نگذارند که رسماً این مجلس مقید شود به احکام اسلام و اجراء آن، هر روزی به بهانه‌ای القاء شبهات می‌نمایند...»

اگرچه این تحصّن و حمایت مجلسی آیات عظام نجف، سبب شد تا مجلس شورای ملی تن به ماده واحده شیخ فضل الله بدهد و با تغییراتی چند این ماده را تصویب نماید، امّا منوّرالفکران توانستند با فضا سازیهای دروغین و فتنه انگیزی مشروعه طلبان را همدست مخالفان مشروطه و مستبدین معرفی کنند و زمینه را برای اقدامات خشونت بار علیه آنان آماده سازند. این ماده هم هیچ‌گاه بطور جدّی اجرا نشد و در دوره‌های زیادی از مجلس تعطیل شد.

حقاً مباحث مربوط به این دوره از نهضت حول محور مهم و تعیین کننده قانون اساسی، یکی از شاخص‌های مهم تمایز جریانات حاضر در مشروطیت است و بطور کامل نیات و اهداف هر جریان را روشن می‌نماید. اگرچه مورخان این دوره که خود عضو فراماسونها و انجمن‌ها و جناح روشنفکری بودند، تلاش کرده‌اند تا همچنان صبغه ضد دینی مشروطه خواهان و مجلس مشروطه را پنهان کنند و اعتقاد آنان به جدایی دین

از سیاست را بیوشانند، لیکن اقدامات آنان بویژه در دوره برقراری مجدد مشروطه و فتح تهران کاملاً تفکر و جهتگیری آنان را برملا ساخته است. اسناد منتشر شده از این مباحث و اقدامات محافل وابسته روشنفکری، قضاوت درباره ماهیت غیر دینی و سکولار این جمعیت را آسانتر و قطعی تر ساخته است.

در این دوره از تاریخ مشروطیت، انجمنهای سری، در کنار ادامه تبلیغات شبنامه‌ای، مطبوعاتی و استفاده از منابر و تجمعات؛ رویکرد تهدید، ارباب و ترور را نیز در برنامه خود وارد ساختند. استعفای رؤسای مجلس در پی تهدید انجمن‌ها، ترور اتابک، تهدید مکرر و هجوم به منزل شیخ فضل الله نوری، تهدید سید عبدالله بهیانی برای موافقت و همراهی با موادی از قانون اساسی، سازماندهی نیروی شبه نظامی مسلح در کنار نیروهای رسمی کشور، تهدید برخی از نمایندگان برای پرهیز از مخالفت، از جمله نشانه‌ها و اقدامات این رویکرد جدید انجمنهاست.

مخبر السلطنه می نویسد:

«افراد و انجمن‌ها می‌خواهند بصورتی هرچه می‌توانند جلوه کنند. در انتشارات ژلاتینی غالب تهدید به طیانچه می‌شد... یکصد و سی انجمن در شهر (تهران) دایر است غالب مخرب مجلس و وابسته به مراکز مختلف، روزنامجات باغراض گوناگون آبرو برای کسی باقی نگذازدند. اگر احیاناً حقیقتی یا دردی را موضوع مقاله قرار می‌دادند لهجه زشت و ظهور دمه‌های خروس، اصل منظور را از بین می‌برد، معلوم نبود از زبان کی سخن می‌گویند... نویسندگان مغرض که هر کدام سر به جایی سپرده‌اند آنچه نباید نوشت نوشتند، غافل که از کاستن قوت اجرا، آشوب و فساد قوت می‌گیرد و شاید همین منظور است.^۱»

از دیگر رویکردهای مهم این دوره، هتک حرمت مقدسات اسلام در برخی مطبوعات منتشره از سوی جناح منوالفکر مشروطیت است. این تهمت‌ها و هتک‌ها، که

نشانه مهمی بود از ماهیت این جریانات، متأسفانه از سوی برخی علماء، در عین تقبیح، جدی تلقی نشد و برخورد شایسته و صریح انجام نگرفت. همچنان فضای خوشبینی، مانع مرزبندی دقیق و روشن آنان با عوامل این حرمت شکنی ها بود.

شیخ فضل الله نوری در محاجّه ها و گفتگوهای خود با دوزعیم دیگر مشروطه و نیز در لوائیح منتشره، به این حرمت شکنی ها اشاره کرده و به افشای ماهیت این افراد می پرداخت. ماهیت اصلی این افراد را یکی طبیعی مسلک ها یعنی منورالفکران مادی گرا و سکولار و دیگری منحرفین از دیانت اسلام یعنی بابی ها و بهایی ها، معرفی می نمود که اسناد منتشر شده در سالهای بعد، درستی این تشخیص را بخوبی نشان داد. شیخ فضل الله نوری و همراهان او، در لوائیح خود، علت مخالفت با مشروطه خواهان تندرو و هتاک را تبیین کردند. آنان جهت گیریهای منورالفکران و انجمن ها را در جهت مخالف با مصالح ملت و ضدیت با اسلام و احکام شرع دیدند و یکی از نشانه های بارز این تشخیص را مباحث مربوط به قانون اساسی و نهادهای اساسی و نهادهای مطبوعات و شبنامه های این گروه معرفی کردند. شیخ فضل الله در راستای افشاگریهای خود، تعدادی از نمایندگان مجلس را فاقد صلاحیت و شایستگی فکری و سیاسی برای تصدی نمایندگی مردم و تصویب قانون می دانست و شرط اصلاح مجلس را اخراج اینان عنوان می نمود.

منورالفکران که تاب و تحمل روشنگریهای شیخ و یارانش را نداشتند به جنگ نرم و شایعه پراکنی و تهمت روی آوردند و علاوه بر آن به جعل اسناد از سوی آیات عظام نجف برای ترور شخصیت شیخ دست زدند تا با ایجاد تفرقه بین علماء، مردم را دسته دسته و بلامتکلیف و سرگردان سازند و در آشفتنگی فکری جامعه و غبار آلودگی ذهنی مردم، اهداف خود را محقق سازند.

حجم تبلیغات منفی و هتاک و شایعه سازی در این دوره به شدت افزایش یافته است. آمار نشریات این دوره، افزایش غیرقابل مقایسه ای را با دوره قبل (یعنی مبارزات تحقق اصل مشروطیت) نشان می دهد. آمار تشکیل و اعلام موجودیت انجمنهای کوچک و بزرگ هم قابل مقایسه با دوره پیش از این دوره نیست و همه این تلاشها، نشان می دهد که

جناح منورالفکری با حمایت عوامل انگلیس از جمله سِر اردشیر ریپورتر، با تمام قوا در صحنه حاضر شده است تا ماهیت نظام جدید التأسيس را به سود خود سامان دهد.

کشاندن جامعه به سوی خشونت که از طرف انجمنها، به عنوان یک تاکتیک طراحی شده بود، به شخص شاه نیز توسعه پیدا کرد. شاه که بارها با سوگند پشت قرآن، با دادن نامه و تأکید بر وفاداری به مشروطه، در دیدار با نمایندگان و مجلس شورای ملی، تلاش می‌کرد تا بلکه میانه خود را با آزادیخواهان بهبود بخشد، به شدت از سوی برخی مطبوعات وابسته به منورالفکران، تحریک می‌شد. به او تهمت زنازادگی زدند، کاریکاتورهای موهن از او چاپ کردند و آخر الامر اقدام به ترور او نمودند که موفق نشدند. عماداً به سوی یک درگیری نظامی با شاه پیش می‌رفتند تا آنچه در عرصه نرم بدست آورده بودند - مجلس و قانون اساسی - با سقوط محمدعلی شاه و کشاندن رژیم قاجار به اضمحلال و آوردن یک دیکتاتوری قلدردمآبانه و معتقد به غرب‌گرایی، استحکام بخشند و بطور کامل روحانیت و احکام شرع را با قوه قهریه از جامعه منزوی سازند. و همین طور هم شد. محمدعلی شاه غافل و سرمست از قدرت و بازیخورده توسط عوامل روس - که در توافق پنهان با انگلیس این نقشه را طراحی کرده بودند - دست به به توپ بستن مجلس و دستگیری منورالفکران و آزادیخواهان زد و یک دوره جدید از دیکتاتوری را که خواست انگلیس و در حکم اضمحلال قاجار بود، شروع کرد و عاقب هم به در یوزگی سفارت روس رفت و مجبور به ترک ایران شد. صدور حکم تحریم مشروطیت از سوی شیخ فضل الله نوری، بمبی بود که در زیر پوسته منورالفکران وابسته و فراماسونر منفجر شد و تمامی چهره، هویت و ماهیت آنان را برملا ساخت.

شیخ فضل الله بواسطه پای فشاری بر اصلاح قانون اساسی و ارائه اصل نظارت مجتهدان بر مصوبات مجلس، سخت تحت فشار آزادیخواهان قرار گرفت. هتک حرمت او با فحاشی و تهمت‌ها در روزنامه‌ها شدت یافت، تهدید او و هجوم به منزلش به اوج خود رسید. پنجشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۵ ق. انجمنهای سزی مردم را تحریک کرده و پس از اجتماع روز جمعه ۹ جمادی الاولی جمعی را جهت قتل شیخ به منزل او

روانه کردند و اگر نبود جلوگیری سیدین، فاجعه بزرگی به بار می آمد. شیخ که مبارزه فکری را آغاز کرده بود، خود را در معرض حذف فیزیکی دید، او دانست که دیر یا زود این مدعیان آزادی و دموکراسی و قانون، مخالفت‌های او را برنخواهند تافت و به قتل او اقدام خواهند کرد. شیخ پس از اجتماع میدان توپخانه، چاره کار را در تحصن در مدرسه مروی دید. با محاصره این مدرسه توسط سربازان دولتی و تشدید محاصره، از تحصن خارج شده و پس از ضرب و شتم شدن، به منازل خود مراجعت کردند. عدم انجام تعهدات مجلس از سوی نمایندگان در تفاهمی که در ماجرای تحصن حضرت عبدالعظیم صورت گرفته بود و سمت و سوی این حوادث، شیخ را به صدور حکم حرمت شرعی مشروطه واداشت. او در اطلاعیه خود چنین گفته است:

«... منشأ این فتنه؟ فرق جدید و طبعی مشربها بودند که از همسایه‌ها اکتساب نمودند و به صورت بسیار مخوشی اظهار داشتند که قهراً هرکس فریفته این عنوان و طالب این مقصد باشد به این که در طلب عدل برآمدند و کلمه طیبه العدل را هرکس اضعاء نمود بی اختیار در تحصیل آن کوشید و به اندازه وسعت خود به بذل مال و جان خودداری نکرد. من جمله خود داعی هم اقدام در این امر نموده مساعدت نمودم... وقتی که شروع به اجراء این مقصد شد، دیدم دسته‌ای از مردم که همه وقت مایل به بعضی از انحرافات بودند وارد به کار شدند کم‌کم کلمات موهمه از ایشان شنیده حمل بر صحت می شد... تا رفته رفته بنای نظامنامه نویسی و قانون نویسی شد. گاهی با بعضی مذاکره می شد که این دستگاه چه معنی دارد. چنین می نمایند که جعل بدعتی و احداث ضلالتی می خواهند بکنند. اگر مطالب امور عرفیه است، این ترتیبات دینی لازم نیست، و اگر مقصود امور شرعیه عامه است این امر راجع به ولایت است نه وکالت و ولایت در زمان غیبت امام زمان (عج) با فقها و مجتهدین است... تا آنکه قانون اساسی نوشته شد و خواهش تطبیق آن را با قواعد اسلامی نمودند... وقتی را صرف این کار با جمعی از علما کردم و به قدر میسور تطبیق به شرع یک درجه شد... لکن فرقه‌ای که زمام امور حل و عقد مطالب و قبض و بسط مهام کلیه به دست آنها بود، مساعدت نمی کردند، بلکه صریحاً و علناً گفتند

که ممکن نیست مشروطه منطبق شود با قواعد الهیه و اسلامیة و با این تصمیمات و تطبیقات دول خارجه ما را به عنوان مشروطه نخواهند شناخت. چون دیدم این طور است، به مساعدت جمعی ماده نظارت مجتهدین در هر عصر برای تمیز آرای هیأت مجتمعه اظهار شد، چون نتوانستند ظاهراً رد کنند قبول کردند محض تثبیت و اینکه رجوعی نشود و علی حده به طبع رسانده... چون این را دیدند و فهمیدند که با این ترتیب اگر بدون تغییر [ماده واحده] واقع شود بکلی از مقاصد فاسده خود محروم اند کردند آنچه کردند و متعجب به واقعه زاویه مقدسه شد تا آن ورقه التزام به احکام اسلام و عدم تخطی از آن را دادند و داعی و علمای اعلام مراجعت کردیم. پس از بازگشت، قانون اساسی را بعد از تصحیح، تحریف و آن ماده نظارت را به اغواء جمعی تصرف نموده بر وجهی که به کلی فایده مقصوده از آن را بردند....

و قانون مشروطه با دین اسلام منافق است و ممکن نیست که مملکت اسلامی در تحت قانون مشروطگی بیاید مگر به رفع ید از اسلام. پس اگر کسی از مسلمین سعی در این باب نماید که ما مسلمانان مشروطه شویم، این سعی، اقدام در اضمحلال دین است و چنین آدمی مرتد است و احکام اربعه مرتد بر او جاری است؛ هر که باشد. هذا هو الفتوی و الرأي الذی لا اظن المخالف فيه و علیه حکمت و الزمت^۱

بحرانی که گریبان مشروطه خواهان غربی را گرفته بود، با این اطلاعی و فتوای شیخ سخت تر شد و حتی بنیاد آنان را برانداخت و تشت رسوایی آنها را به صدا درآورد. اگرچه آنان با دادن اطلاعات غلط به آیات ثلاثه نجف و گرفتن حکم ضرورت موافقت و همراهی با مشروطیت و مجلس، توانستند بطور موقت از این بحران خلاص شوند، اما در ادامه با اعدام شیخ و ترور بهبهانی، تمامی قافیه را باختند و پشتیبانهای آیات ثلاثه نجف و سایر علماء را به کل از دست دادند و ماهیت ضد دینی آنان بطور کامل برای مردم افشا شد. دیکتاتوری رضاخان، پایان فریب کاریها و دغلبازیهای منورالفکران و

۱- شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، صص ۳۰۶-۳۰۵. کامل این لایحه را در پیوستها مطالعه نمایید.

روشن شدن دست پنهان انگلیس در بازیهای مشروطیت بود.

در هر حال، وضعیت تشکیل مجلس شورای ملی، نحوه انتخاب وکلا در این مجلس، مباحث مربوط به قانون اساسی و متمم آن، مواضع منورالفکران و شبکه‌های فراماسونری پنهان و آشکار، دخالت‌های انگلیس، وضعیت روزنامه‌ها، یک دوران پُر از عبرت و تلخکامی را در مسیر عدالتخواهی ملت و پایبندی آنان به باورها و آموزه‌ها و احکام اسلام را نشان می‌دهد که عبرت‌آموزی از آنها، می‌تواند شیرینیهایی را برای ملت در تداوم راه انقلاب اسلامی داشته باشند. این که حضرت امام خمینی علیه السلام بارها مسؤولان و مردم را به توجّه به قضایای مشروطه و عبرت‌گیری از آن فرا می‌خواند برای همین مسأله است. شناخت ترفندهای دشمنان در ایجاد اختلاف بویژه در بین علما و روحانیون و دلسردکردن مردم هویتی این اختلافات، بسیار اهمیت دارد. ممکن است شیوه‌های دشمن و ابزارهای آن تغییر کند اما این نقشه، همیشه در صدر راهکارهای دشمن در تسلط بر کشور شیعه ایران بوده است.

حضرت امام خمینی با آن فرقان الهی و شاهی که در کوران حوادث ایران پیدا کرده بودند، حوادث مربوط به نوع نظام برآمده از انقلاب اسلامی، نوع مجلس تدوین قانون اساسی، وکلای ملت در چنین مجلسی و مباحث مربوط به قانون اساسی جمهوری اسلامی را بخوبی به سوی اهداف مردم در این خیزش اسلامی، راهبری نمودند و اجازه ندادند منورالفکران غرب‌زده و سکولار، خللی و خدشه‌ای در آن وارد کنند. اما تداوم این حرکت بویژه در ستیز با نظام سلطه جهانی و تعمیق باورهای دینی و سرعت در خدمت‌رسانی و شکوفایی علمی کشور نیاز به بیداری، وحدت و همبستگی بین مردم، بین مردم و مسؤولان، بین روحانیون و از همه مهمتر تبعیت و پیروی از ولایت فقیه دارد. عبرتهای نهفته در قضایای مشروطیت هر عقل سلیم و دل‌بیدار و آزاده‌ای را به چنین وحدت و تبعیتی فرا می‌خواند، و چنین باد تا ظهور حضرت حجت، ارواحنا له الفداء، ان شاء الله.